

دوره ششم تقنینیه

# مذاکرات مجلس

شماره

۱۵۳

جلسه

۱۸۸

تاریخ تأسیس آذر

۱۳۰۵

جلسه سه شنبه ۱۲

دیماه ۱۳۰۶

مطابق ۹ رجب المرجب

۱۳۴۶

مندرجات

فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی

خواهد بود

پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در یک شماره منتشر میشود.

مطبعة مجلس

قیمت اشتراك

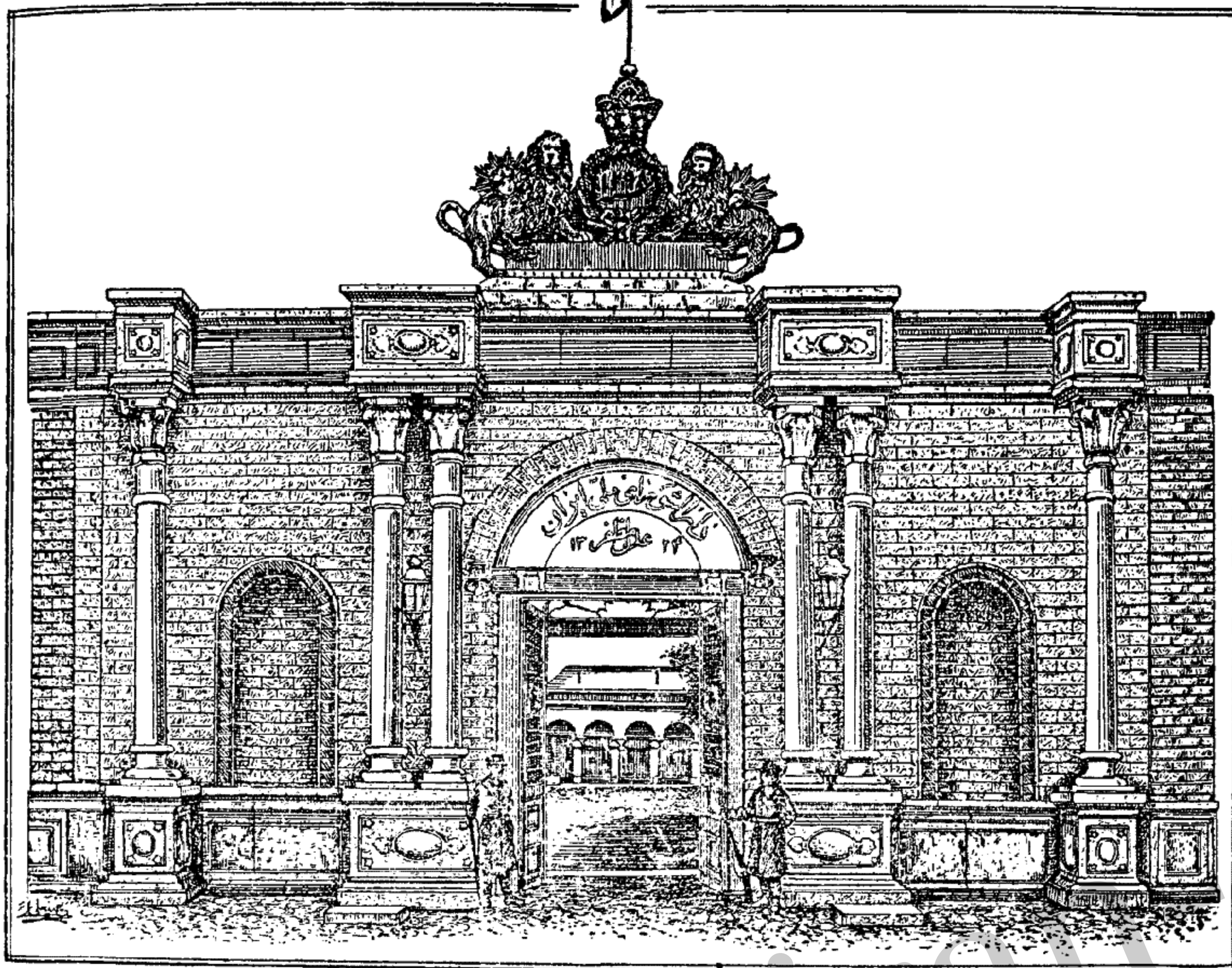
داخله ايران ساليانه ده تومان

خارجه « دوازده تومان

قیمت نك شماره

يك قران

شماره	عنوان	از صفحه	الی صفحه
۱	تصویب مرخصی آقایان مهدوی و مدرس	۲۰۶۹	۲۰۷۰
۲	شور نسبت بخر کیمسیون بودجه راجع به تخصیص اضافه عایدات سنه ۱۳۰۵ به مخارج معینه	۲۰۷۰	۲۰۸۱



# مذاکرات مجلس

## دوره ششم تقنینیه

صورت مشروح مجلس سه شنبه ۱۲ دیماه ۱۳۰۶ مطابق ۹ رجب المرجب ۱۳۴۶

### جلسه ۱۸۸

( مجلس دو ساعت و نیم قبل از ظهر  
براست آقای پیرنیا تشکیل گردید )  
( صورت مجلس یوم دهم دیماه قرائت  
و تصویب شد )

رئیس - آقای تقی زاده  
تقی زاده - بنده آنچه خاطر دارم آقای وزیر فواید  
عامه در جواب سؤال بنده فرمودند که انشاء الله قبل

از انقضای امسال محصلین فرستاده میشوند در صورت مجلس نوشته شده است که ایشان فرمودند سال آتی فرستاده میشود گمان میکنم اشتباه نوشته شده زیرا در هر حال اگر بنا باشد سال آتی فرستاده شود و قانون امسال اجرا نشود تغییر قانون بعمل میآید

وزیر فوائد عامه - صحیح است همینطور هم عرض شده

رئیس - اصلاح میشود صورت مجلس غیر از این ایرادی ندارد  
(گفتند خیر)

رئیس - صورت مجلس تصویب شد. آقای کازرونی کازرونی - بنده راجع بدستور میخواستم عرض کنم که يك خبری است از کمیسیون مبتکرات راجع بمعافیت اهالی میناب از تأدیه مالیات چون تجدید نظری هم شده و خیلی مختصر هم است و باید بکمیسیون بودجه رود میخواستم استدعا کنم قبل از دستور مطرح شود

رئیس - آقای رفیع

رفیع - بنده از نماینده محترم استدعا میکنم همینطور که در جلسه قبل دستور معین شده بگذارند داخل دستور شویم اگر يك لایحه دیگری هم هست البته آقایان موافقت میفرمایند و در دستور جلسه آتی میگذارند حالا که دولت حاضر شده اجازه بدهند همان لایحه که جزء دستور است مطرح شود.

رئیس - آقای کازرونی

کازرونی - بنده موافقت میکنم که دستوری که معین شده حالا مطرح شود نهایت آقایان هم موافقت بفرمایند که بعد از تنفس این لایحه مطرح شود

رئیس - خبر کمیسیون عرایض قرائت میشود  
(خبر کمیسیون عرایض راجع به مرخصی آقای مهدوی بشرح ذیل قرائت شد)

آقای مهدوی نماینده محترم بواسطه گرفتاری لازمی

که داشته اند از تاریخ دهم مهر ۲۴ روز تقاضای مرخصی نموده کمیسیون عرایض مرخصی نماینده محترم را تصویب و خبر آنرا تقدیم میدارد

مخبر کمیسیون حاج میرزا مرتضی

رئیس - آقای زوار

زوار - عرض میکنم گرچه نه آقای مهدوی نماینده محترم که سالها است به بنده لطف دارند این انتظار را دارند و نه خود بنده صلاح میدانم که بامرخصی ایشان مخالفت کنم ولی چون اساساً بنده با این قبیل مرخصی ها مخالفم و در روز گذشته باندازه کافی در موضوع مرخصی يك نفر از نمایندگان عرض کردم و مخالفت نمودم و متأسفانه قبول نشد حالا هم در این موضوع يك مختصری میخواهم عرض کنم این قبیل مرخصی ها از سیاست که گذشته زیرا تصویب میشود ولی خوب است مسئله را برنیم بقلب دیانت تا به بینیم چه میشود...

مدرس - خواهش میکنم از آن حرف زنی

زوار - اجازه بدهید تا عرض کنم. ما اینجا قسم خورده ایم که قانون اساسی را حفظ کنیم. مذهب رسمی ما هم جعفری اثنی عشری است. یعنی عقیده ما این است که معتقد بيك بزرگواری هستیم که در وقتی که حساب بیست لاله تمام شد چراغ را خاموش میکرد. بنده هم میخواهم به بینم نماینده محترم آقای مهدوی که به بنده لطف دارند اگر از حقوق خودشان صرف نظر کنند بکجا برمیخورند؟ به عقیده بنده هیچ جا بر نمیخورد و اگر ایشان موافقت بفرمایند که این پول هارا ما بدهیم به فقرايي که حقیقتاً گرسنه و مستأصل هستند و در شرف سرگند و بانها اختصاص بدهیم خیلی بهتر است و تصویب این قبیل مرخصی ها که ما این طور بی احتیاطانه کار میکنیم و رأی بدهیم هیچ خوب نیست و بنده بیش از این چیزی عرض نمیکنم.

حاج میرزا مرتضی مخبر کمیسیون عرایض - آقای مهدوی نماینده محترم از اشخاصی هستند که همیشه در

موقع جلسات مجلس حاضر بوده اند و هیچوقت نخواستند که در مجلس حاضر نباشند...

زوار - خیلی گرسنه اند.

مخبر - ایشان همیشه در مجلس مشغول کار بوده اند و در این مسافرتی که فرموده اند بواسطه کسالت و بیش آمدهائی که برای ایشان واقع شده منجر بچندروز تعطیل و تأخیر شد. از این جهت از کمیسیون عرایض اجازه خواستند و این دیگر چیزی نیست که آقای زوار پشت تریبون تشریف میآورند سینه میزنند مرثیه می خوانند و نوحه سرائی می کنند.

زوار - حق نداری توهین کنی؟ به توجه؟

مخبر حرف زن - گوش بده. گاهی برای فقراسنك بسینه میزنی و زمانی از دیانت صحبت میکنی. شما حق ندارید حقوق مردم را ببخشید. حقوق خودتان را بفقرا بدهید بدیگران چه کار داری. سارین هم خودشان فقرارا می شناسند اگر دلشان خواست با آنها میدهند دلشان نخواست نمیدهند. میآئید بنام شریعت و طریقت حرف میزنید. مگر چه شده است؟ يك نفر نماینده تقاضای دهروز مرخصی کرده. کفر شد؟ کمیسیون عرض تصویب کرده دیگر بسته برای مجلس است شما اگر عقیده ندارید برای بدهید آقایان دیگر هم اگر عقیده دارند برای میدهند و اگر هم ندارند رای نمیدهند این مسئله دیگر این مذاکرات را لازم ندارد.

رئیس - رای گرفته میشود بمفاد این خبر. آقایانیکه

تصویب میکنند قیام فرمایند

(عده زیادی برخاستند)

رئیس - تصویب شد. خبر دیگر

(خبر راجع بمرخصی آقای مدرس بشرح ذیل قرائت شد)

حضرت آقای مدرس نماینده محترم بواسطه گرفتاری مشروعی که داشتند از اول آذر ماه تا اول دیماه رازوی نیمساعت اول جلسه اجازه مرخصی خواسته اند کمیسیون

تقاضای نماینده محترم را تصویب و خبر آنرا تقدیم میدارد  
مخبر کمیسیون حاج میرزا مرتضی  
جمعی از نمایندگان - مخالفی ندارد.

رئیس - رای گرفته میشود. این خبر. آقایانیکه موافقت قیام فرمایند

(اکثریت قیام کردند)

رئیس - تصویب شد

وزیر فوائد عامه - لایحه است تقدیم مجلس شورای ملی میشود برای استخراج ذغال سنك معادن شمشك و هم چنین برای تهیه كوك و دائر کردن سیم نقاله از شمشك به طهران.

وزیر مالیه - لایحه ایست برای تمدید اختیارات ریاست کل مالیه تقدیم میشود

رئیس - لایحه اضافات مطرح است

(ماده واحده بشرح ذیل خوانده شد)

ماده واحده - وزارت مالیه مجاز است اعتبارات ذیل را از محل اضافه عایدات ۱۳۰۵ تأدیه نماید

۱ - برای اعطاء قرضه بکار خانه پارچه بی اصفهان که مطابق قانون ۲۵ دیماه ۱۳۰۵ اعتبار آن تصویب شده و اینك محل آن از اضافه عایدات ۱۳۰۵ تأمین میشود ۱۰۰۰۰۰۰ قران

۲ - برای جبران کسر عایدات سجل احوال در ۱۳۰۵ و اعتبار جهت عملیات اداره سجل احوال در ۱۳۰۶ ۱۰۰۰۰۰۰ قران

۴ - قسمت چراغهای دریائی بحر خزر ۱۳۰۰۰۰۰

۵ - برای مخارج ابتدائی و غیر جاری مربوط به تلگراف ن سیم ۴۸۲۰۰۰ قران

۶ - برای تهیه مصالح و لوازم کار خانه مدرسه صنعتی ۱۰۰۰۰۰ قران

۷ - برای ساختمان محبسها بطرز جدید و تعمیر محبس های فعلی در طهران و ایالات و ولایات ۲۰۰۰۰۰۰ قران

۸ - برای خرید لایحه های مدارس متوسطه ایالات و ولایات و آئینیه مربوطه به آنها ۱۲۰۰۰۰ قران  
 ۹ - برای تهیه لایحه های مدارس طب و آئینیه مربوطه به آن ۱۰۰۰۰۰ قران  
 ۱۰ - برای مخارج ساختمان و تعمیرات قصور سلطنتی توسط وزارت دربار ۱۳۵۰۰۰۰

جمع ۶۶۰۲۰۰۰ قران  
 وزیر معارف - در جزء ششم این لایحه که فرائد شد راجع به تهیه مصالح و لوازم مدرسه کارخانه صنعتی يك صفر حذف شده صد هزار قران است اینجا اشتباه شده است.  
 نگهبان - بلی يك صفر کم دارد. صفر هایش هم مرکز ندارد.  
 رئیس - در اصل خبر صد هزار قران است.  
 آقای امامی

امامی - بطوری که بنده در نظر دارم گویا این لایحه در مرتبه از طرف دولت به مجلس تقدیم شده و در هر دو مرتبه در ضمن اقلام درشت يك قلم خیلی کوچکی هم بوده است ( که ده هزار تومان بوده ) برای اعانه سالان. متأسفانه کمیسیون محترم بودجه که اعضای محترم آن همه شان حقیقه ایران و ایرانی دوست هستند بذل توجهی باین قلم نفرموده اند در صورتیکه اتفاقاً این قلم برای يك مصرف خیر و حقیقه بجائی بوده است. با این حال این را حذف کرده اند بنده نمیدانم آقایان اعضای محترم کمیسیون بودجه چه تصور کرده اند؟ اگر چنانچه اهالی سالان را ایرانی نمیدانند آن يك موضوع دیگری است. ولی بنده همچو تصور میکنم که همه آقایان تصدیق میفرمایند که سالان جزء ایران است و اگر چنانچه از وقایع و فجایعی که در آن حدود روی داده آقایان مسبوق نباشند. آقای وزیر فوائد عامه شاید بخوبی اطلاع دارند و اغلب از آقایان نمایندگان هم در جراید ملاحظه فرموده اند و اگر

نفرموده اند بنده نارنجچه آنها را عرض کنم بنده استدعا میکنم همانطور که از طرف يك جمع کثیری تقاضا شده است به لایحه دولت رأی گرفته شود که آن ده هزار تومان اعانه سالان هم در جزو آن بود آقایان اعضاء کمیسیون بودجه هم با ما موافقت بفرمایند و منقح بر ما آذربایجانیهها بگذارند.

رئیس - آقای احتشامزاده

احتشامزاده - عرضی ندارم

رئیس - آقای فرمند

فرمند - بنده موافقم با این لایحه و فرمایشاتی که آقا فرمودند مربوط باین لایحه نبود و بعلاوه ایشان چیزی نفرمودند که بنده دفاع کنم استدعا میکنم توبت بنده محفوظ بماند برای اینکه يك مخالف صحیح صحبت کند تا بنده عریض را عرض بکنم  
 (خنده نمایندگان)

رئیس - آقای رفیع

حاج آقا رفیع - آقا بعنوان مخالفت ضمناً ذکر از کمیسیون بودجه فرمودند. البته اعضاء کمیسیون بودجه همه ایرانی هستند و رفتی و کیل شده اند و آمده اند توی مجلس دلیل بر این است که ایرانی هستند البته سالان هم جزو مملکت ما است و هر فردی از افراد آن هم ایرانی هستند و همه اعضاء کمیسیون بودجه هم سالان را جزو ایران میدانند اما البته آقا تصدیق میفرمایند که در يك مواقعی دولت يك پیشنهادی میکند بعد بواسطه يك کارهای زیادی موقع آن میگردد مثلاً يك اعانه سی هزار تومانی پیشنهاد شد که برشت داده شود در آن روز لازم بود که يك اعانه یا قرضه از طرف دولت بانهاد داده شود ولی آنوقت با مجلس تعطیل بود یا وقت نبوده و بالاخره بواسطه یکمانعی نتوانستند این لایحه را بکنند و همینطور در دوسیه ماند حالا پس از اینکه اوضاع رشت خوب میشود تجارت راه می افتد. عایدی مردم بالا میرود مردم مشغول کار میشوند و موقع هم فوت

شده الان اگر بگویند برای مهاجرین گیلان اعانه تصویب کنید البته موقعیت ندارد. بنده خودم که در سفر اول که رفتم در آذربایجان در سالان خیلی متأسف شدم و یکی از اشخاصی بودم که اگر در آنوقت این مسئله مطرح میشد خود بنده هم موافقت میکردم ولی در سفر دوم که رفتم دیدم الحمدلله خیلی وضعیتش خوب است یعنی يك اندازه ...

امامی - حضرت عالی توی آن خرابه ها تشریف برده اید.

رفیع - سفر دوم که رفتم وضعیت آنجا را بهتر دیدم اگر بنا شود دولت بفقرا کمک بکند باید بتمام فقرای مملکت ایران کمک کند. همه جا فقیر دارد سایر نقاط ایران هم دارد. مگر هم دارد. شما خودتان قائل بتفکیک نباشید. حضرتعالی نماینده آن محل نیستید شما نماینده تمام ایرانیان نمایندگان آذربایجان نمایندگان تمام ایرانند باید تمام ایران نگاه کنید به بیند هر جا فقیر دارید فکری برای آنها بکنید. این قلمی را که شما میفرمائید هیچ شبیه به اقلام دیگر نیست. ما آمده ایم در اینجا تخصیص داده ایم مبلغی بکارخانه اصفهان که صد هزار تومان است این هیچ شباهتی ندارد با آن قلمی که آقا میفرمایند این چیزی که سابقاً تصویب کرده ایم و باید تأدیه کنیم بالاخره باید در ندر پهلوی دولت ایران چراغ بگذارد و خوب نیست کس دیگری چراغ بگذارد مسئله مهم است. اگر عباغان را شده است باید بفروشیم و آن چراغ را از جیب خودمان در آنجا بگذاریم. مسائل يك مقتضایی دارد. دو نفر از آقایان آذربایجانیهها مثل آقای دیبا و آقای افشار در کمیسیون بودجه بودند و جلب نظر اعضاء کمیسیون را نکردند فرمودند باین جهت حذف شد و بنده مقتضی نمیدانم که تمام این اقلام بماند برای اینکه آن قلم حذف شده چنانچه میفرمایند آن قلم لازم است ممکن است يك پیشنهادی بفرمایند و توضیح

بدهند ما هم گوش بدهیم اگر بالاخره ادله و براهین آقایان ما را قانع کرد ما هم رأی میدهیم ولی اگر زیاد منطقی نبود این مسئله نیست که بواسطه آن با این لایحه مخالفت کرد

رئیس - آقای نامداد

نامداد - اساساً قطع نظر از اقلام این لایحه خود لایحه بر خلاف قانون و بر خلاف تصمیم صریح مجلس تقدیم شده یعنی در همین دوره هم این تصمیم گرفته شد و در ماه اردی بهشت هم بود و البته يك مجلس ملی از حکومت ملی از کمیسیون که محل اعتماد مجلس است انتظار دارد که قبل از همه چیز تصمیمات مجلس را همان مجلس که پشتیبان او است و بهش رأی اعتماد داده است و به رأی خودش باقی است محترم بشمارد و برخلاف او اقدامی نکند و حقیقتاً نباید بعد از آنکه دنیا این هیاهو درش هست و بیست سال است ایران مشروطه شده است نازه مایه ایم در این موضوع صحبت کنیم که آیا در مقابل تصمیمات مجلس يك کابینه مختار است یا اینکه مجبور و مکلف است این خیلی محرز است ابکاش حکومتی که میخواهد برخلاف تصمیم مجلس يك اقدامی بکند اقلأ می آمد يك سابقه میداد يك اظهاری میکرد که مثلاً این رأی را مجلس داد، اضافات را مخصوص به بانک کرد ولی من باین جهت، باین جهت استیضاه میکنم که يك قسمت از این اضافات را برای این اقلام تخصیص بدهم ولی بدون اجازه بر رفتن و سابقه دادن يك لایحه تقدیم کرده بعد از آن پس گرفته و این لایحه دومی را داده است اساساً این لایحه برخلاف صریح قانون و تصمیم مجلس تقدیم شده این خیلی واضح است مثل الف بای قضایای پارلمان است که يك قانونی که از مجلس ملی میگردد معنایش این است که تمام ملت جمع شده اند و يك قاعده برای خودشان قرار داده اند و يك عده را هم گفته اند که شما مجری هستید و باید اینرا اجرا کنید. آنها نباید برخلاف آن اقدام کنند

مگر اینهم مثل قانون تشکیلات است که این جا بنافاق آراء رأی دادیم و سه ماه هم مجال دادیم و تا کنون هم نیآورده اید و نخواهید هم آورد؟ زیرا اگر بیاورند دستشان بسته خواهد شد و يك همچو میدان بهناوری مثل بودجه دستشان نیست که هر کاری دلشان میخواهد بکنند روز چهاردهم اردی بهشت ۱۳۰۶ لایحه اجازه تأسیس بانک ملی ایران برای پیشرفت امر تجارت و فلاح و زراعت و صناعت از همین مجلس و در همین دوره گذشته و ماده سوم این است

ماده سوم - برای اینکه سرمایه ابتدائی جهت شروع بکارهای بانک تهیه شود دولت مجاز است مبلغی که بیش از پنج میلیون تومان نباشد از ودايم خود (به استثناء وجود انحصاری قند و چای) بعنوان سرمایه ببانك بردارد و اضافه عایدات و صرفه جوئیهای بودجه مملکتی ۱۳۰۴ و ۱۳۰۵ و ۱۳۰۶ را از بابت آن مبلغ محسوب و بقیه آن را در بودجه ۱۳۰۷ و سنوات بعد مبلغی که بیش از سالی باصدهزار تومان نباشد در جزء بودجه مملکتی منظور نماید.) این ماده سه قانون است که ما گذرانیدیم و این لایحه صریحاً بر ضد او آمده است و تقدیم مجلس شده. اگر چه آقای رئیس الوزراء در جلسه قبل در قبل عرایض بنده يك فرمایشی کردند و تصریح کردند که خوب این اطاق که نباید بفهمند و بنده ممنونم از آقای آقا سید یعقوب که افلا تذاکر دادند که خیر این يك اطاق نیست این تمام مملکت است این جا مجلس ملی است. (صحیح است) انتظاری هم بنده شخصاً نداشتم زیرا در موقعی که ایشان وزیر بودند و پشت همین زیربوم که حمله کردند به میسیون امریکائی فرمودند که من سلو هستم اگر آن روز اعتراض میکردیم این فرمایش را اینروز نمیفرمودند سل را اگر بخوایم معنی کنیم یعنی تک رو بسیار خوب بنده حالا کار ندارم آقای رئیس الوزراء هستند و حکومت است سلو هستند و این جا هم اطاق و در مقابل تصمیمات مجلس هر چه

میخواهند بکنند ولی ما خودمان که باید محترم بشاریم ما که علاقه مندیم باین اساس باین مجلس ملی باید به تصمیمات خودمان احترام کنیم. یکی از احترامات تصمیمات مجلس ملی این است که به نقص او رأی ندهیم و این لایحه نقص او است و نباید رأی بدهیم. از این مراتب می گذریم می آئیم داخل اصل ماهیت منظور میشود ممکن است گفته شود که يك وقتی مجلس گرفتار احساسات میشود و از روی احساسات يك قانون می گذرانند با عواطف غلبه میکنند یا عیدانم بچه مناسبت موقعی است. حالا به بینیم آیا این قانونی که گذرانیدیم از نقطه نظر احساسات بوده است یا این که حقیقتاً بزرگترین قدم بطرف اصلاحات و سعادت این مملکت بوده است یا نه مطالعه بوده یا اینکه حقیقه مجلس ملی فهمیده است که هر چه هست و نیست همین است بنده تصور میکنم روزی که حکومت وقت لایحه استجازه افتتاح بانک را آورد تمام مثل تشنه هائی که عاشق آب سرد هستند همینطور ما پذیرائی و استقبال کردیم هیچ کس نیست که منافع بانک را نداند و نخواهد از اسارت اقتصادی خلاص شود ما با مطالعه بدون اینکه گرفتار احساسات باشیم این ماده را تصویب کردیم اضافات سه سال را هم گذاشتیم علاوه از سیصد و هفت هم سالی باصدهزار تومان در بودجه منظور کردیم بنده بعضی از اقلام این لایحه را خوب میدانم و حرفی ندارم فرض بفرمائید لایحه را از برای مدرسه صنعتی یا محبس ساختن یا لایحه را برای مدرسه طی چیز بدی نیست عقیده بنده اینست که در مدارس ابتدائی هم باید تعلیمات عملی باشند این که تنها کنفرانس و صحبت باشد که طفل هیچ نفهمد چه رسد مدرسه طب و صنعتی ولی تمام این چیزها را اگر ما درست کنیم از هوا بریدن که یونکرس را کثرت کردیم (که هیچ نمی فهم یعنی چه) با تلگراف بی سیم تمام اینها تفنن است در مقابل آن اصل حیاتی که ما باید بانک داشته باشیم. وقتی که ما آن را داشتیم

موتور همه چرخ ها را داریم. چونکه صد آمد نود هم پیش ما است وقتی او را داشتیم برای کارخانه مملکتی و يك بخار داریم. وقتی او را نداشتیم تمام اینها از کار خواهد افتاد و فلج میشوند. البته يك رقابتهای شدید در مقابل این نیت مقدس داریم ولی خودمان نباید او را لنگه دار کنیم. یعنی آن اعتبارش را صرف مخارج دیگر بکنیم ولو هر قدر هم که آن مخارج خوب باشد اما آنها مهم است و این مقصود و منظور که تأسیس بانک است اهم است. هیچ عاقلی نمی آید مهم را بگیرد و اهم را از دست بدهد. شاید آقای وزیر مالیه یا آقای وزیر معارف برای آن چند قلم در این قانون اظهار کنند که خیر مسئله بانک تأمین شده. محرز و مسلم است زیرا متخصص بانک را هم آمدیم در این جا گذرانیدیم و شما خاطر جمع باشید. بنده البته اطلاع دارم و در کمیسیون بودجه هم بودم که پررئز تشریف آوردند و اضافه اعتبار را گذراندند و بعد از يك توضیح مختصری که از آقای وزیر مالیه خواستم بنده خیلی با کمال شرف دهنم را بلند کردم و رأی دادم ولی گفتم خدا با این دروغ را راست کن. ما امیدواریم. ولی بانک عبارت از متخصص آوردن و خانه تراش درست کردن و سالی بیست هزار تومان دادن و يك اداره درست کردن و دفتر آرشيو و مترجم و اینها نیست بانک آن است که به دنیا معرفی شود و با يك اعتبار آبرومندی شروع کند معاملات. بنده آن اعتبار را سراغ ندارم غیر از همین چیز هائی که ما در لایحه تأسیس بانک معین کردیم زیرا يك عایدات مخصوصی داریم که مطابق قانون اختصاص دارد بیک مصارف معینی. يك عایدات جاری هم داریم که بیست و پنج میلیون است و در مقابلش هم يك صرفه جوئی هائی داریم علاوه بر اینها بنده چیزی سراغ ندارم مگر اینکه آقای وزیر مالیه بفرمایند فلان مبلغ را از فلانجا اعتبار داریم. یکی هم مسئله جواهرات و خالصجات است خالصه را که آقایان تصدیق بفرمایند

با آن میلی که ما داریم باین زودبیا پول نمیشود مخصوصاً با آن قانونی که گذرانیدیم. جواهرات را هم تصور نمیکند عملی بشود و امیدوارم که بدست مجلس ششم هم فروخته نشود و خوشبختانه شنیدم اعلیحضرت هم موافقت ندارند از وقتی که این را شنیدم خیلی خوشحال شدم برای اینکه حقیقه يك جواهراتی در دو قرن تمام دو بیست سال هزار جور دست بدست کشته و در ادوار هرج و مرج و استبداد ایران محفوظ مانده بنده که در سهم خودم يك فرد ضعیف و از صد و سی ام اجتماع اینجا میباشم و افتخار دارم زیر این بار نبروم که بدست من فروخته شود پس بنا بر این از کجا؟ بله اگر جواهرات را باعتبار بانک گذارند و بانک ما در دنیا معتبر باشندند هم موافقم مثل اینکه بانک پروس در تمام جاها اعتبار دارد این جارا حرفی ندارم ولی فروش آنرا امیدوارم که بنده رأی ندهم و آقایان هم رای ندهند بنا بر این اعتبار بانک منحصر میشود بهمان پنج میلیون و این اضافاتی که ما قراردادیم و هیئت محترم دولت باید مطابق آن قانون نظر به صمیمیتی که بمملکت دارند و نظر به احترامی که باید حتماً از قانون موضوعه بکنند البته باید دست باین اعتبار زنند و رخنه در آن قانون نکنند بلکه بتوانیم موفق شویم متخصصش را که خواسته اند مدبرش را هم که خواسته اند آنوقت امیدواریم انشاء الله موفق شویم آن بهتر از همه است آنوقت از این اقلام هر قدر شما بخواید ممکن است که بیاورید و ما تصویب کنیم و تکیه کاهان يك چرخ بزرگی است که امیدواریم بواسطه او چرخهای تمام مملکت بگردد در افلاش هم بعضی عرایض دارم که استجازه کرده ام وزیر مالیه - نماینده محترم قسمت اول فرمایشاتشان راجع بخلاف قانون بودن بود و این را خیلی هم با آب و تاب فرمودند گویا همان مخالف صحیحی که آقای فرمند میل داشتند و تقاضا کردند همین آب و تاب بود که ایشان

از حیث خلاف قانون بودن این لایحه فرمودند هم خیلی متأسف هستیم که سینه ام درد میکند و میترسم که اگر بخوام زیاد حرف بزنم بسرفه بیفتم و خوشنما نباشد نمیتوانم بآن آب و تاب جواب عرض کنم خدمتشان دو سه کلمه خیلی مختصر تذکراً عرض میکنم چون بنده نماینده محترم را اهل مطالعه میدانم هیچ انتظار نداشتم که ایشان از پشت تریبون استناد بک خلاف قانونی بدولت بدهند در صورتیکه عیناً دولت عمل بقانون میکنند ملاحظه بفرمایند تقدیم لایحه و تقاضای اجازه از برای بک خرج این عمل به قانون است آقا میفرمایند بک قانون دیگری از مجلس گذشته این قانون اگر تصویب بشود بک تقضی یا بک تغییری در آن قانون پیدا میشود چه اهمیت دارد؟ هر روز در مجلس شورای ملی بک قوانینی وضع میشود بعد از آن قوانین اصلاح میشود مطابق مقتضیات بک قوانین دیگری وضع میشود که آن قوانینی که اول وضع کرده بودند تغییر میدهد یا اصلاح میشود اگر امروز دولت اینطور مقنن و صلاح دیده که بیاید از مجلس تقاضا کند که فلان مبلغ وجهی که شما برای بک کاری تخصیص داده بودید برای این کار بنظر ما لازم میآید و بیایید تصویب کنید این هیچ عمل برخلاف قانونی نکرده است آمده است اینجا از شما تقاضا کرده است که این کار را بکنید شما هم البته میتوانید بکنید میتوانید نکنید اگر آمدید و اقدام کردید و رأی دادید و قانون وضع کردید بموجب بک قانون بک حکمی کردید بعد هم اجرا میشود خلاف قانون وقتی بود که بدون استیجاز و بدون پیشنهاد و بدون تقاضای تصویب و تحصیل تصویب دولت میرفت این وجهی که شما برای بک مقصودی گذاشته بودید برای بک مقصود دیگری تخصیص میداد پس این خلاف قانون نیست بعلاوه ایشان گویا حافظه شان قدری خوب نیست و لازم است بنده بهشان تذکر بدهم که در همین مجلس خود آقا نمایندگان محترم دیگر بعد از گذشتن قانون بانك چندین لایحه دیگر که ما آوردیم

تصویب کردید از همین محلها.  
یکی از نمایندگان - از این محل نکرديم  
وزیر مالیه - نکرديد؟ هزار تومان برای و با از محل اضافه عایدات تصویب نکرديد؟ صد و بیست و پنجاه هزار تومان برای بلدیة همینجا شما آقایان تصویب نکرديد؟ این لایحه چندین قلم داشت تقریباً پانزده قلم بیست قلم سابق داشت که در حدود بک میلیون و نیم اعتبار میشد و پیشنهاد کرده بودیم بعد از اینکه این پیشنهاد شد از برای اینکه از نقطه نظر حساب و برای تأمین همان مقصود مقدسی که بعد توضیحش را عرض میکنم (همان مسئله بانك) بک میلیون و نیم را دولت خرج کردنش را از این محل گزاف دانست. بنده لایحه را مسترد کردم بعد از مدتی مطالعه و مشورت و حساب و بالاخره مقایسه اهمیت خرج بک ارقامی ما آمدیم صلاح این طور دیدیم، دولت این طور صلاح دید که از این محل خرج شود این اولاً هیچ صدمه و لطمه نبود چه وارد نمآورد چرا؟ او را بعد عرض میکنم ثانیاً تأمین میکند بک مخارجی را که از امم مخارج است آقایان باید تصدیق بفرمایند که ما اگر دو بیست هزار تومان اعتبار بگذرانیم برای اینکه مجلس هائمان را بسازیم و بالاخره بتوانیم با داشتن بک مجبهای جدید جواب بک اعتراضاتی را که مردم ما میکنند بدهیم در راه حصول بک مقصود معظم ملکیتی که از هر مقصودی او مهمتر است که قضیه الغاء کابیتولاسیون باشد بک قدم بزرگی برداریم و دو بیست هزار تومان بخوایم برای این کار خرج کنیم این از هر خرجی برای ما مهمتر است و هیچ جای ما و زندگانی ما لطمه وارد نمآورد. سجل احوال بک چیزی است که قانون آن از مجلس گذشته بک اداره است که بایستی در این ملکیت تأسیس شود منافع عمومی دارد علاوه بر اینکه بک منافع عمومی از هر حیث برای ملکیت دارد آقایان خوب متوجه هستند که وجود سجل احوال لازمه اجرای قانون نظام اجباری است اگر شما سجل احوال نداشته

باشید و دفاتر سجل احوالتان خراب باشد اصلاً آن قانونتان قابل اجرا نیست مثل این است که آن قانون را نقض کرده اند پس این قبیل اقلام مخارج بک چیز هائی است بک اهمیت هائی از نقطه نظر ملکیتی دارد که آنها را هیچ نمیشود گفت ما بگذاریم در درجه دوم و سوم و چهارم هیچ نمیشود این حرف را زد. عرض کنم آمدیم بقسمت اینکه بانك چه صورتی دارد این را بنده یکی دو مرتبه در اینجا مورد پیدا کرده است و به آقایان عرض کرده ام دولت باندازه بمسئله بانك اهمیت میدهد که وسائلش را هم مهیا کرده است که از تشکیل و بجزمان افتادن و کار کردنش بهیچوجه نگران نباشید. آقا اثبات کردند باینکه رقابت هائی هم ما داریم البته داریم رقابت های مهم هم داریم اما با کمان چیست وقتی از این قبیل رقابتها و مخالفتها میبایستی رسید که در مقابلش عزم و اراده و وسیله نباشد ولی وقتی که شما در ملکیتتان عزم و اراده دارید وقتی شما حسن نیت دارید و همه نوع موافقت میکنید ما هم شما میگوئیم همه نوع وسائل کارمان موجود است شما بایستی مطمئن باشید که آن رقابتها مؤثر نیست مگر از این قبیل رقابتها و این قبیل مانعها و از این قبیل مخالفتها شدیدتر عظیم تر با عکس العملهای همه جور در موضوع قضایای دیگر ما نداشتیم؟ در موضوع همین کابیتولاسیون، مگر چطور شد که دولت فرانسه موافقت کرد؟ چطور شد آلمان موافقت کرد؟ چطور شد این مسائل را پیس میبریم و حرف خود را بکرسی مینشانیم بانك را بهلوی اینها شما وقتی مقایسه کنید این اهمیتها را ندارد و بالاخره نکته که هست این است که فقط در اینجا بنده تنها میکنم که نماینده محترم و نمایندگان دیگری که همه از نقطه نظر تأسیس بانك مخالفت با این دارند در این مسئله درست توجه بفرمایند ما وقتی بک قانونی میگذرانیم بک مقصود و منظوری داریم علت اینکه همیشه در این قبیل مطالب متشبت میشود باینکه باید متخصص خارجی بیاوریم برای

چیز است اینجا اقرار باین مطلب است که ما خودمان نمیدانیم بک بانکی را چطور باید سر پا کرد، ما بانك میخواستیم، برای بانك قانون میگذرانیم میگوئیم بانك هم سرمایه میخواهد بیست میلیون چند میلیون جواهر بفرروشیم، خالصه بفروشیم چکار کنیم، و از اضافه عایداتمان هم اینها را جیبیر کنیم در ۱۳۰۷ هم پانصد هزار تومان بگذاریم، بسیار خوب این نیت ماست، عزم ماست، تمام وسائل را هم برای این کار بکار میبریم ولی بالاخره تصدیق میفرمائید که آن بصیرت، آن بلدیت آن لوازمی که برای بر پا کرده، تأسیس کردن بک بانکی لازم است که بکیش هم این است که باید تشخیص داد این بانك چه کار میخواهد بکند و چه جور باید تأسیس شود سرمایه اش از کجا باید بهش برسد، اینها همه بک قسمت های تخصصی است و بنده این عریضی را که اینجا خدمتتان عرض کردم و اطمینان بهتان دادم که بهیچوجه نگرانی در موضوع بانك نداشته باشید حالا عرض میکنم که بایک متخصصی در این موضوع حرف زدیم، مطالعه کردیم مذاکره کردیم، در ماده بانك ملاحظه فرمودید در قانونی که خودتان گذرانیدید نوشته اید که باید راجع به اساس و اسلوب این بانك دولت بانظر متخصص نظامنامه اش را بنویسد و بیاورد به کمیسیون قوانین مالیه آن نظامنامه اش را نوشتیم و حاضر کردیم با تمام این مطالعاتی که با اطلاع و استحضار و مراجعه بمتخصص شده است بنده قبلاً بهتان عرض کردم حالا هم تکرار میکنم که هیچ نگران از تأسیس بانك و سرمایه آن آقایان نداشته باشید و بدانید رأی دادن باین اقلام و پرداختن این وجوه گذشته از اینکه خود این اقلام چنانچه عرض کردم بک اقلام مهمی است که بهیچوجه نمیشود ازش صرف نظر کرد بآن مقصود مقدس آقایان هم هیچ صدمه وارد نمیآورد  
مدرس - بانك متخصص میخواهد. پول نمیشود!؟  
وزیر مالیه - پولش هست آقای مدرس شما غصه نخورید

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده نقطه نظر من از این مخالفت این است که تمام آرزو و امید من مثل همه آقایان این است که انشاء الله با این وجوهی که از مردم گرفته میشود بتوانیم در این مملکت يك مؤسسات عام المنفعه را تأسیس کنیم که ما را از احتیاج خارجی راحت کند و پس از آنکه دخل پیدا کردیم خرج این کارها بکنیم نقطه نظر من یکی این است. نقطه نظر دیگری که در مخالفت دارم این است که همه آقایان در نظر دارند قبل از رفتن متخصصینی که سابق داشتیم همه بدین بودند و می گفتند اگر شما شخص رئیس مالیه را عذرش را بخواهید از عهده انتظامات مالیه و حفظ مالیه بر نخواهید آمد ما آرزومان این است که يك قسمی کنیم که بعد از رفتن اینها بهتر مالیه محفوظ بماند نه اینکه وقتی از اینجا بیرون رفتند هر کس بماند يك تعرضی بکند که این مالیه را که این جور حفظ کرده اند شما نتوانستید نگاهداری کنید الان خانه های ما هزار مرتبه بدتر از این مجلس ها است آنوقت بیائیم اینجا دو بیست هزار تومان برای خرج تأسیس مجلس اجازه بدهیم بنده با این قبیل مخارجی که اینجا ذکر شده مخالفم و عقیده دارم که این پولها را برداریم خرج استخراج معادن و آوردن کارخانجات بکنیم می خواهیم به بینیم این چند قلم که ششصد و چند هزار تومان بالاست (بجز دو سه قلم این که نتیجه کلی در مملکت ما دارد) بهتر از آوردن کارخانجات یا احداث معادن است؟ هیچ بنده بهترینی بینم بلکه با وجود بودن آن احتیاجات این مخارج را مضر میدانم و عقیده ام این است که تا این احتیاجات برای ما هست این وجوهات باین تفصیلی که در اینجا نوشته اند مثلاً برای جبران کسر عایدات - سجل احوال صد هزار تومان (خرج سجل احوال چقدر باید در این مملکت بشود که جبران کسر او را صد هزار تومان میکنند و همچنین بجهت چراغهای دریائی

حالا چراغهای دریائی را بنده هم میدانم لازم است اما نمیدانم سیزده هزار تومان خرجش است مدتش که دو سه ماه بیشتر باقی نمانده نمیدانم چرا سیزده هزار تومان خرجش است؟ تلگراف بیسیم، ناخالص دو ده بیست هزار تومان برای آن رأی داده ایم و گمان نمیکنم نتیجه خیلی بزرگی برده باشیم این نتیجه هائی که از تلگرافهای بیسیم دار میبردیم شاید از او هم ما نمیبریم حالا آن صد و بیست هزار تومان که سابق رأی داده ایم چهل و هشت هزار تومان هم در باره رأی بدهیم؟ ما مخارج لازمتر و بهتر از این خیلی داریم مثلاً محبس ها بطرز جدید بنده مخالف نیستم باید محبسهای خوب داشته باشیم اما در وقتی که چیزهای خوب دیگر هم داشته باشیم نه کارخانجات داریم نه استخراج معادن داریم آنوقت محبسها را می خواهیم اروپائی باشد ما وقتی باید مثل آنها بکنیم که دخلمان را هم مثل آنها بکنیم اینطور حرفها را بنده هیچ قسم عقیده ندارم عقیده دارم اولاً دخل پیدا کنیم و احتیاجات خودمان را رفع کنیم وقتیکه احتیاجات ما کم شد آنوقت از آن دخل برداریم در مقابل این خرج این کارها بکنیم. امروز در صورتیکه تمام خانهای ماها دستنمای عده هزار مرتبه بدتر از این محبسهاست اگر می خواهیم درست کنیم خانه ملت را درست کنیم نه اینکه کاری نکنیم که مردم را تشویق به حبس بکنیم در چندی قبل يك نفری یکی از آنها گفت من سه تومان بتو میدهم که تو مرا مقصر کنی و کاری نکنی که در این زمستان به محبس بروم و در آنجا بمانم. باید مردم را از محبس ترسانند. از مجازات ترسانند. حالا می خواهید کاپی تولاسیون را در مملکت لغو کنید بسیار خوب انشاء الله موفق خواهید شد. و ما حضرم در صورتیکه خارجیها مقصر شدند بهترین خانهای خودمان را برای آنها محبس قرار دهیم در صورتیکه بنده میدانم باین چیزها احتیاج پیدا نخواهیم کرد در حال بنده باین اقلام مخالفم و باین مخارج مخالفم و باین خودمرا نمیتوانم حاضر

کنم که باین اقلام درشت رأی بدهم امیدوارم آقایان هم نظریه خودشان را بهمین طریق قرار دهند.  
رئیس - چون عده برای مذاکره کافی نیست چند دقیقه تنفس داده میشود. (صحیح است)  
(در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید)

رئیس - راجع بلائحه اضافات آقایان، مدرس - باعداد - آقاسیدبعقوب - حاج شیخ بیات - پیشنهاد کرده اند از دستور خارج شود. آقای مدرس مدرس - عرض میشود يك فرمایشان در این جاست که حقیقه جای نگران است. آقای وزیر مالیه در ضمن فرمایشاتشان فرمودند که سابقاً هم يك اوباجی آوردیم همین مجلس تصویب کرد. خدا میداند اگر من میدانستم که آن سرمایه برای بانک باید احراز شود احراز نشده است و با این ترتیب آن لایحه ها را آورده اند هرگز بهیچ کدامش رأی نمیدادم. بواسطه اینکه هم امور از هر جهت از جهت سیاست، اقتصاد اساسی، غیر اساسی مسئله بانک و مراعات سرمایه بانک است؛ آقایان خیلی ها در این مجلس تشریف دارند که در چندین دوره هم بوده اند تشریف داشته اند و میدانند که تا کنون هیچوقت اضافه عایدات بگوش ما نخورده بود. فقط مسائل بگوش ما اضافه عایدات خورد یعنی اضافه در سال ۱۳۰۵ این مسئله هم اتفاق بود يك چیزی بود که اتفاق افتاد و بعد از این هم دیگر اتفاق نخواهد افتاد و چنین چیزی نخواهد شد که يك رئیس مالیه بیاید و تفتیش و نظارت کند و يك اضافه عایدات برای ما پیدا شود. اگر شما خیال میکنید من بعد هم اضافه پیدا خواهید کرد نمیدانم ولی من که خیال نمیکنم! در هر حال مشکل است. من خیال میکرده این پیشنهاداتی که به مجلس شده علاوه بر آن چیزی است که برای سرمایه بانک منظور شد. از این جهت من رأی داده و الا رأی نمیدادم. حقیقتاً ما را اغفال کردند لایحه می آوردند که

صد هزار تومان رأی بدهید ما هم باین خیال رأی میدادیم و تصویب میکردیم. ولی حالا از این بیانات همچو معلوم میشود که ما پول دیگری نداشته ایم و هر چه تصویب میکنیم از سرمایه بانک کم میشود. این عیناً نظیر آن مسئله است که يك کسی مرا مهمان کند و خیلی هم لازم پذیرائی از انواع و اقسام خوراکها و خورشها برای من تهیه و آماده کند. من هم که طلبه و چشمم به این چیزها نبفتاده به خیال اینکه مهمانم از آن خورشهای الوان میخورم، از کباب از مرغ از آب خوراک و بالاخره هر چه دلم خواست میخورم. آنوقت وقتیکه از خوردن فارغ شدم من میگویم این خوراکیها که خوردید از پول خودتان بود و من از جیب خودتان در آوردم.

این خورش نمیدانم چه حکم دارد. حکمش قاچاق است. زیرا اگر من میدانستم که از پول خودم است شاید نمیخوردم و مهمان مان و پذیر خودم قناعت میکردم من بخیال اینکه مرا مهمان کرده است پنج قران غذا خوردم.

اگر ما میدانستیم این لوابجی که بمجلس میآورند سرمایه بانک سخته وارد میآورد خدا را بیگانه میطلبیم که بهیچیک از آنها رأی نمیدادم. کارهای خوب در مملکت خیلی داریم مگر اینکه این لایحه که آورده اند بد است؟! کارهای خوب خیلی است. همه خرج ما خوب است. لوابجی هم که بعد می آورند همه اش خوب است. لکن باید مراعات لازم فلام را کرد. حیات سیاسی ما بسته به بانک است. چه حیات اقتصادی و چه حیات سیاسی. ما اگر از مخارج خودمان بکاهیم و باین مصرف رسانیم جا دارد. مگر میخواستیم این مسئله را بگویم ولی چون بنده در نطق آقایان و کلاء نظر نمیاندازم چیزی نگفتم ولی عرض میکنم حقوق فلان وکیل که جهت فلان کار اختصاص میدهد مثلاً بکتابخانه میدهد فلان کار میدهد اگر عوض همه این

کارها اختصاص سرمایه بانک دهد خیلی بهتر است واقع خواهد بود. وکیل سه ماه حقوق خودش را که صرف نظر می کند باید سرمایه بانک بدهد. چرا جهت اینکه بانک اس اساس سایر کارها است ما باید اساس را نگاه داریم لذا خواهشمندم آقایان قبول فرمایند که عجلتاً این لایحه از دستور خارج شود تا ما برویم و در اطاق خارج بنشینیم با وزراء صحبت کنیم و معین کنیم به بینیم آیا این رأی که ما می دهیم سرمایه بانک صدمه نمیزند یعنی به بینیم پول داریم یا نه؟ اگر پول داریم و صدمه سرمایه بانک وارد نیاید که خیلی ممنونشان میشویم و بساز لوائح مفیدی هم که پیشنهاد میکنند بعد از مذاکره رأی می دهیم ولی اگر پول نداریم آنوقت مشکل است رأی داد. مثلاً تعمیر خانه من خیلی لازم است بجهت اینکه آب می آید اما باید دید واقعاً این تعمیر لازمتر است یا سرمایه بانک و هكذا و هكذا. از این جهت بنده این تقاضا را کردم که اگر آقایان صلاح بدانند این لایحه از دستور خارج شود تا برویم و در خارج صحبت کنیم و اگر پولی داریم بعدها بساز لوائح هم رأی خواهیم داد

رئیس - آقای حاج آقا رضا رفیع

حاج آقا رضا رفیع - آقا در اول بیاناتشان عنوان فرمودند که بگوش ما نخورده بود اضافه عایدات بنده گمان میکنم که خیلی از چیزها بگوش ما نخورده بود ما تا حالا اضافه عایدات نداشتیم خیلی چیزها ما نداشتیم این مؤسسات که امروز در این مملکت شده است تشکیل یافته و الا خیلی چیزها از قبیل آبرویان و غیره بگوش ما نخورده بود! يك ناسیاتی در این مملکت از نقطه نظر امنیت شده است بالاخره اضافه عایدات هم داریم بنده مخالف نیستم که اگر آقا میخواهند مسئله را درست مطلع شوند با وزراء صحبت کنند حرف زنند و متقاعد شوند بعد مطرح شود ولی لازم نیست خروج از دستور

را ما پیشنهاد کنیم چند نفر از آقایان اجازه گرفته اند که مذاکره کنند و بالاخره امروز هم مسئله تمام نمیشود ظهر هم گذشته فردا هم وقت داریم مذاکراتان را میفرمائید پس فردا شما هم می آئید و با بنده موافقت میکنید | و رأی خواهید داد. دولت آمده است گفته است من اضافه عایدات دارم این دیگر دلیل نمیشود آقا من ندارم دلیل میخواهد...

بهبانی - برعکس است.

حاج آقا رضا رفیع - دولت میگوید من اضافه عایدات دارم من بگویم شما دروغ میگوئید شاید این پول در بیت المال نباشد؟! این دلیل نمیشود اگر نبود دلیل میخواهد که من باید سؤال کنم که پولهای را که گرفتی چکار کردی این مثل را که آقا فرمودند که مهیا میکنند بالاخره پول مال ملت است دولت و مردم هم یکی هستند همینطور که خود مجلس شورای ملی نتیجه آراء این ملت است دولت هم نتیجه آراء این مجلس است. که ما مورند و می آیند پول هم مال ملت است این پیشنهاد را که آقا فرمودند که از کجا ما را مهیا میکنند بنده گمان میکنم که این مثل در این موقع...

مدرس - خیلی بجا است

(خنده نمایندگان)

حاج آقا رضا رفیع - بالاخره آقایان آمده اند و میگویند ما اضافات داریم و يك اقلامی هم هست که لازم است این مخارج بشود یعنی ما امروز يك محبسی لازم داریم که در سال پیش لازم نداشتیم چرا برای همان دلایلی که راجع بکاب تولاسیون بود که افرادی هستند در این مملکت که اگر ما نخواهیم اینها را در این محبس ها بفرستیم حاضر نمیشوند و میگویند محبس درست کنید تا ما بیائیم. ما امروز در سرحد چراغ لازم داریم و بالاخره ما پول را از این مردم میگیریم برای اینکه بمصرف صحیح برسانیم اگر بمصرف صحیح برسد که ما حرفی نداریم. بعلاوه اینها هم بسته است بنظر

اکثریت مجلس که هر چه اکثریت رأی بدهند عمل شود. بنده عقیده ام این است که آقا هم موافقت فرمایند قریب ده یا زده نفر از آقایان اجازه خواسته اند نظریات خودشان را اظهار میکنند مذاکراتی هم می شود فردا را هم وقت داریم با آقایان وزراء هم چنانچه میل داشته باشید مذاکره میفرمائید و موافقت میفرمائید بنا بر این بنده خروج از دستور را مخالفم

رئیس - رأی گرفته میشود...

آقا سید یعقوب - نمیشود آقا ما پیشنهادی کرده ایم سابقه هم دارد ما باید حرف بزیم و توضیح بدهیم در يك موضوع که چند نفر پیشنهاد داده اند میتوانند حرف زنند سابقه دارد

رئیس - گمان نمیکنم سابقه اینطور باشد که در يك پیشنهادی که مثلاً بیست امضاء دارد بیست نفر حرف زنند.

آقا سید یعقوب - اجازه فرمائید عرض کنم در این موضوع راجع به بودجه مجلس در يك موضوعی همین ترتیب پیش آمد و مقام ریاست اجازه دادند که چندین نفر حرف زنند حالا اگر مقام ریاست این موضوع را هم مثل آن موضوع تشخیص میدهند که خوب است اجازه بدهند دیگران هم حرف زنند و اگر هم مثل آن موضوع نیست که بنده عرض ندارم. غرضم تذکر بود و چون بنده هم پیشنهاد را امضاء کرده ام خوب است به بنده هم اجازه داده شود که توضیح عرض کنم

رئیس - در آن موضوع پیشنهادی که داده شده بود جزئی اختلافی با هم داشت حالا هم اگر مجلس می خواهد دیگران حرف زنند بنده مخالف نیستم رأی می گیرم به این پیشنهاد. آقایانیکه که تصویب میکنند قیام فرمایند

(معدودی قیام کردند)

رئیس - تصویب نشد. آقای احتشامزاده

احتشامزاده - عرضی ندارم

رئیس - آقای بهبهانی

آقا میرزا سید احمد بهبهانی - راجع باصل موضوع مخالفم.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده هم مخالفم

رئیس - آقای شریعت زاده

شریعت زاده - عرضی ندارم

رئیس - آقای زعیم

زعیم - بنده هم مخالفم

رئیس - آقای ضیاء

آقا سید ابراهیم ضیاء - عرضی نداشتم

رئیس - آقای حاج آقا رضا رفیع

حاج آقا رضا رفیع - بنده موافقم

رئیس - چون بعد از يك مخالف باید موافق حرف

زنند فرمائید

حاج آقا رضا رفیع - بنده گمان میکنم مذاکراتی که در جواب نماینده محترم باید داده شود آقای وزیر مالیه فرمودند ولی بنده هم حالا نظریاتم را عرض میکنم دولت يك لایحه را به مجلس آورده و اجازه میخواهد يك اقلامی را که لازم میدانند خرج کنند بدهی است که يك همچو چیزی باید با اجازه مجلس باشد. در اینجا چند قلم است که شاید بعضی از آقایان با آن مخالف باشند و رأی ندهند و بعضی اقلام دیگر است که همه آقایان با آن موافقتند. بنده گمان نمیکنم هیچیک از آقایان نمایندگان باشند که مثلاً معتقد هستند که در بحر خزر چراغ دریائی نباید گذارد. زیرا هر کس موافق است صاحب خانه باید چراغ خانه خودش را بگذارد پس این يك قلمی نیست که کسی در او مخالف باشد همین طور راجع به محبس گمان نمیکنم هیچیک از آقایان با این قلم مخالف باشند برای اینکه محبس های فعلی با وضعیت امروزه دیگر قابل



استفاده نیست. آقای فیروز آبادی فرمودند خانهای ما برای محبس حاضر است ولی بنده گمان نمیکنم هیچ فردی از افراد ملت ایران حاضر باشد که در خانه اش را يك نفر آزان بزند و بگوید آقا يك حبسی آورده ايم اجازه بدهید که در خانه شما حبس کنیم هیچيك بچنين امری حاضر نیست....

فیروزآبادی - سالون نظمیه

حاج آقارضا رفیع - اجازه فرمائید آقا برای مسائل عمومی امکانه عمومی لازم است همانطور که مملکت وزارتخانه لازم دارد يك محلهای عمومی هم برای کارهای عمومی و محبس عمومی لازم دارد - مجلس صحیح لازم است این مسئله جای انکار نیست اگر صورت مجلسهای جلسات قبل مراجعه فرمائید خواهید دید سه چند نفر از همین آقایان نمایندگان در همین مجلس راجع باین موضوع مکرر صحبت و مذاکره فرمودند و همه ماها هم باتفاق میگفتیم صحیح است و برای محبس های ولایات داد و فریاد میکردیم بنده خودم سال قبل در مازندران بودم يك روز صبح قبل از طلوع برخاستم در ساری گرمای فوق العاده بود. دیدم دسته را از محبس بیرون میاوردند برای اینکه شست و شوی دهند خدا میداند باندازه حال آنها رقت آور بود که اصلا معلوم نبود چه حالی دارند و چطور زندگان میکنند شاید بدبخت يك آفتابه

دزدیده بود بايك ربسمان. اینها يك چیز هائی است که گمان نمیکنم مخالف داشته باشد آقا پول برای خرج کردن است ما پول داریم و باید خرج کنیم منتها باید بجا و بموقع خرج کنیم. و الا پول داشته باشیم و از آن استفاده نکنیم بنده نمیدانم چه فائده برای مملکت خواهد داشت بالاخره خوب است آقایان اجازه بدهند که در این لایحه مذاکره شود مطرح شود موافق نظریات خودش را بگوید مخالفین هم مخالفت خودشانرا اظهار کنند هرکس دلائل و نظریات خودش را بعرض مجلس برساند بالاخره اکثریت مجلس حکومت خواهد کرد و این مسئله اینقدر هم مذاکره لازم ندارد يك ماده واحد بیشتر نیست اگر چه ماده بود ممکن بود آقایان در موادش بحث و مذاکره طولان بفرمایند ولی این زیاد مذاکره لازم ندارد. در این اقلام آقایان فرمایشات خودشان را بفرمایند در آن اقلامی که آقایان نظر خوب دارند مساعدت بفرمایند در باقی اقلام هم مذاکره میشود بسته به نظر اکثریت است

رئیس - فعلا جلسه را ختم میکنیم. بقیه مذاکرات میماند برای جلسه بعد.  
از طرف نمایندگان - صحیح است.  
دکتر مصدق - ولی اجازه ها محفوظ بماند

(مجلس نیمساعت از ظهر گذشته ختم)